افق حوزه

- سال بیستم
- شماره ۶۹۳
- دوشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۰
- ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly

- صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
- مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: محمدرضا برته
- سردبیر: رمضانعلی عزیزی
- با همکاری هیأت تحریریه
- تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳ • صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
- نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵
- پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
- پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
- امور هنری: سید امیر سجادی
- کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵

در محضر نور

امام علی علیه‌السلام

لا یَقُومَنَّ اَحَدُکُمْ فِی الصَّلاةِ مُتَکاسِلاً وَ لا ناعِساً وَ لایُفَکِّرَنَّ فی نَفْسِهِ فَاِنَّهُ بَینَ یَدَیْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ اِنَّما لِلْعَبْدِ مِنْ صَلاتِهِ مااَقْبَلَ عَلَیْهِ مِنْها بِقَلْبِهِ.

در حال کسالت و چرت زدن نماز نخوانید و در حال نماز به فکر خودتان نباشید؛ زیرادر محضر خدا ایستاده‌اید؛ به‌درستی که آن مقدار از نماز بنده قبول می‌شود که قلباً به خدا توجه داشته باشد.

الخصال، ص ۶۱۳، ح ۱۰

سخن بزرگان

آیت‌الله بهجت رحمه‌الله

در هر واقعه و در هر حرکت و سکون، مشکل اصلی، تشخیص تکلیف است و بعد مشکل‌تر از آن، عمل به آن تکلیف. سلمان رضوان‌الله‌تعالی‌علیه در اثر شناخت تکلیف و عمل به آن و پیروی از شرع با سراج عقل، «عَلِمَ عِلْمَ الأَوَّلِ وَالآخِرِ؛ علم اول و آخر را می‌دانست». مقامات علما نیز این‌گونه است.

در محضر بهجت، ج۱، ص۲۴۴

طلایه‌داران محراب و منبر/ ۱۸

خطیب شهیر و نویسنده توانا

بخش اول

مروری بر زندگی‌نامه و خاطرات تبلیغی حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ محمدمهدی تاج لنگرودی واعظ رحمه‌الله

اشاره: واعظ نامدار تهران حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدمهدی تاج لنگرودی واعظ در ۲۲بهمن ۱۳۱۰شمسی در لنگرود زاده شد. پدرش بازاری فروشنده لوازم کفاشی و سخت معتقد و عامل به دستورات دینی بود. جدش آقا شیخ محمود عرب از وعاظ تراز اول گیلان که به‌واسطه حفظ روایات فراوان در میان معاصران خود، به بحار متحرک شهرت داشت. محمدمهدی تاج در۱۳سالگی وارد حوزه زادگاهش شد و طبق سنت مرسوم آن زمان حوزه‌های علمیه گیلان به‌مدت یک‌سال به فراگیری رساله توضیح‌المسائل اشتغال ورزید. سپس جامع‌المقدمات را نزد آیت‌الله علیرضا ممجد لنگرودی از شاگردان ادیب نیشابوری و مسلط بر علوم ادبی آموخت. سپس وارد حوزه علمیه لاهیجان گردید و قسمتی از ادبیات را نزد آیت‌الله حاج شیخ مهدی مهدوی مؤسس حوزه علمیه لاهیجان و سیداحمد میرمطلبی، شیخ ابراهیم محقق و سیدمحمود اصفهانی فرا گرفت و در سن ۱۶ سالگی جهت ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه قم گردید و معلومات خود را نزد حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، حسین نوری همدانی، شهید صدوقی، علی مشکینی، سید عبدالکریم اردبیلی، محمد لاکانی، سیدرضا صدر و عبدالحسین فقیهی رشتی تکمیل کرد. آن‌گاه در درس خارج فقه حضرت آیت‌الله بروجردی رحمه‌الله و درس خارج اصول حضرت امام خمینی قدس‌سره شرکت کرد و از دانش گسترده آنان بهره‌مند گردید و با تدوین و ارائه رساله‌ای به‌زبان عربی و کسب نمرات قبولی در امتحانات شفاهی، حائز رتبه برتر گردید. تاج لنگرودی در اواسط ۱۳۳۹شمسی، پس از مشورت و کسب اجازه اساتید وارد تهران گردید و بیش از نیم‌قرن سکونت، در دو عرصه تألیف و تبلیغ، خوش درخشید و از خطبای بنام تهران گردید که در این مقال، به بخشی از خدمات تبلیغی آن واعظ وارسته اشاره خواهیم کرد.

• چگونه طلبه شد؟

حاج شیخ محسن تاج لنگرودی درباره علت طلبه شدن پدرش می‌گوید: پدرم در حدود ۱۲ سالگی به فکر افتاد که طلبه شود. علت آن را خودش این‌گونه برای ما نقل کرد که روزی در مغازه پدرم ایستاده بودم، دیدم دو نفر طلبه خوش‌لباس و خوش‌قیافه از کنار مغازه پدرم رد شدند. من با دیدن آن دو روحانی از همان لحظه، به فکر افتادم که باید طلبه شوم و ایشان در حالی وارد حوزه شد که ۱۳ساله بود و رسم آن روز حوزه‌های علمیه گیلان این بود که هر طلبه قبل از ورد به حوزه، باید یک‌سال رساله فارسی توضیح‌المسائل را بخواند و این سنت بسیار خوبی است که طلبه را با مسائل شرعی آشنا می‌کردند. در زمان نه‌چندان دوری، شاید ۹۸درصد از ائمه جماعت تهران مجتهد بودند. رسم پدرم این بود که در آغاز هر منبری یک مسئله شرعی برای مردم می‌گفت و همین رسم را به ما فرزندانش آموخت. رساله عملیه را در نزد آیت‌الله ممجد لنگرودی که عالمی زاهد بود، فرا گرفت و سپس جامع‌المقدمات را در نزد همین عالم حقیقتاً زاهد آموخت و آن‌گاه راهی لاهیجان و سپس قم شد. ایشان زمانی وارد حوزه علمیه قم شده بود که هنوز به سن تکلیف نرسیده بود؛ به‌گونه‌ای که برخی از مغازه‌داران شهر مقدس قم به ایشان جنس نمی‌فروختند.

• بهترین شغل طلبگی است

نگارنده از آن بزرگوار شنیدم که فرمودند: بارها از من سؤال کرده‌اند که بهترین شغل کدام است؟ خصوصاً دوستان طلبه گاهی از من این سؤال را می‌کنند که بعد از اتمام دروس چه شغلی را انتخاب کنیم؟ من در جواب می‌گویم: بهترین شغل منبر است که ابتدای آن با نام خدا شروع می‌شود و بعد با قال‌الباقر علیه‌السلام و قال‌الصادق علیه‌السلام و..... ادامه می‌یابد و سپس با نام مقدس سیدالشهداء و سلام بر اباعبدالله علیه‌السلام به پایان می‌رسد.

• مطالعه و تمرین دو شرط موفقیت در منبر است.

مرحوم تاج لنگرودی واعظ در این‌باره می‌گوید: در سال‌هایی که در قم مشغول تحصیل بودیم، با جمعی از دوستان همدوره یک منبر آزمایشی داشتیم؛ چون همه دوستان در یک ردیف و سطح بودیم، پیشرفت قابل توجهی نداشتیم؛ ولی حضور در این مجلس مرا به منبر رفتن علاقه‌مند کرد. خاطرم هست، سال اولی که منبر داشتم، در روستایی در اطراف رشت بود. قبل رفتن به روستا مرحوم حاج شیخ حسن حجتی واعظ را که از خطبای مشهور گیلان و به‌ویژه رشت بود، دیدم. از ایشان از راه و رسم منبر سؤال کردم. در جواب از من پرسید: چند حدیث درباره صدق و راستگویی بلدید؟ چند حدیث درباره مذمت کذب و دروغ بلدید؟ چند آیه درباره حجاب بلدید؟ گفتم: هیچ! طبیعی بود که جواب منفی بود. این سؤالات مرا واداشت تا به مطالعه دقیق و عمیق، قبل از منبر روی بیاورم؛ البته مطالعه و تمرین به‌تنهایی پنجاه درصد مسیر را برای منبری هموار می‌کند و منبری غیر این‌ها به چیز دیگر مانند اخلاق و تهذیب و.... نیاز دارد. به طلاب جوان سفارش می‌کنم، اگر بخواهند، در منبرهای خود موفق عمل کنند، باید بدانند که تمرین و ممارست در کنار مطالعه عمیق و فهم دقیق مطالب، نقش مهمی در موفقیت آنان رقم خواهد زد؛ البته فراگیری زبان خارجی و علم کلام برای وعاظ، امری ضروری است و درصد موفقیت آنان را افزایش می‌دهد و من این مورد را امتحان کرده‌ام.

• سفر تبلیغی به اسپانیا

مرحوم تاج لنگرودی در کتاب فرهنگ مشترک اسلام و مسیح علیه‌السلام می‌نویسد: در سال ۱۳۷۸شمسی به دعوت سفیر محترم ایران مهندس سیدحسن شفتی از نوادگان حجت‌الاسلام شفتی (متوفای ۱۲۶۶ قمری)، جهت اداره کردن مجالس مذهبی عازم اسپانیا شدم. اعزام حقیر با هماهنگی با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی انجام شد. قبل از سفر، همه چیز اروپا برای حقیر مجهول بود و نمی‌دانستم، با چه برنامه‌ای روبه‌رو خواهم بود؛ ولی وقتی که وارد شدم، سفارت‌خانه و پرسنل متدین و علاقه‌مند به امور مذهبی، مسجد، نماز جماعت، توسلات و عرض ارادت به حضرات معصومین علیهم‌السلام و.... مرا مجذوب کرد و دیدن آنها یک توفیق فوق‌العاده‌ای بود که خداوند متعال مقدر فرمود که حقیر در مجلس عزای خاندان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شرکت نموده، ظهرها بعد از نماز به شرح حدیث مختصر پرداخته و شب‌ها بعد از نماز مغرب و عشاء با حضور خانواده‌های ایرانی و جمعیت مضاعف منبر رفته و در پایان ذکر مصیبت نمایم. خلاصه در طول اقامت چهارده روزه‌ام، چندبار ملاقات خصوصی با آقای سفیر داشتم که ایشان در یکی از فرصت‌ها از شخصیتی نام بردند که علاقه وافری به اسلام دارد و مخصوصا دوست دارد، آنجایی که اسلام و مسیح با هم در فرهنگ اخلاقی و اجتماعی و عقاید دینی مشترک‌اند، مطالب را بشنود و بداند و اخبار و اطلاعاتی درباره فرهنگ اسلام و مسیح کسب نماید؛ چون حقیر در این رابطه مطالعه وسیعی دارم؛ لذا پیشنهاد کردم، اگر بخواهید می‌توانم، سخنان گهربار حضرت عیسی مسیح علیه‌السلام را همچون در و منثور در کتاب‌ها پراکنده است، جمع‌آوری نموده تا در یک کتاب تدوین گردد که توفیق نوشتن و طبع این کتاب بعد از مراجعت به ایران از جانب خداوند نصیب حقیر گردید. آثار:

۱.گفتار وعاظ (۶جلدی)

کتاب «گفتار وعاظ» معروف‌ترین اثر ماندگار آقای تاج لنگرودی و شامل سخنرانی‌های جمعی از گویندگان مذهبی کشور است که درشش جلد به چاپ رسیده است. اهمیت این مجموعه که در نوع خود کاملاً ابتکاری است، اینکه منبر برخی از گویندگان مذهبی کشور، همراه با عکس گردآوری و تدوین شده که اغلب غیر از همین منبر چاپ‌شده، هیچ نام و اثری از آنان در کتب تراجم وجود ندارد. مرحوم تاج لنگرودی در مقدمه جلد سوم درباره خلق چنین اثری می‌نویسد: نزدیک ماه مبارک رمضان بود که زنگ خانه‌ام به صدا درآمد. پس از بازشدن در، تلگرافی به دستم رسید که از طرف عده‌ای از اهالی نوشهر به من مخابره شد که ماه مبارک رمضان سال ۱۳۳۷ شمسی به‌عنوان تبلیغ بدان‌جا سفر کنم. هر مسافرتی مخصوصا چنین مسافرت یک‌ماهه‌ای مقدماتی دارد. تمام مقدمات یک طرف، بستن چمدان از نظر محتویات و حمل کتاب‌ها یک طرف؛ زیرا یک‌ماه روز و شب منبر رفتن و مطالب آموزنده گفتن کار آسانی نیست و باید مطالعه کرد. باید زحمت کشید. بیان آیات و روایات و نقل تاریخ و حکایت و اشعار و ذکر مصیبت مرهون مطالعه است و مطالعه نیز احتیاج به کتاب دارد. اینجاست که یک طلبه و یا یک واعظ به مشکل عجیبی بر می‌خورد و

آن این است که از کدام کتاب استفاده نماید. اصولاً چه کتابی را انتخاب کند تا هرچه زودتر بتواند، از مطالعه خود بهره‌برداری نموده و وقت مطالعه به هدر نرود؛ چون خود ایام تحصیل در قم دچار چنین مشکلی بودم و حمل کتب‌های زیاد طاقت‌فرسا به نظر می‌رسید؛ لذا فکر می‌کردم که ممکن است، این مشکل هم، مثل بیشتر مشکلات حل شود و روزی بیاید که حمل کتاب‌های زیاد لازم نباشد؛ ولی نمی‌دانستم که خداوند متعال کلید گشایش قفل این مشکل را به بنده نالایق واگذار خواهد کرد. تا این‌که بعد از انتشار کتاب واعظ خانواده، افتخار زیارت و آستان‌بوسی حضرت امام رضا علیه‌السلام نصیبم شد. در آن مکان مقدس که مشرف بودم، توفیق ادامه تألیفات و خدمتگزاری را در ضمن حاجاتم به‌وسیله آن‌حضرت از خداوند متعال می‌خواستم. در همان ساعت که عرض حاجت می‌کردم، ناگهان پرتوی از نور عنایت آن‌حضرت به خانه قلب و فکرم درخشید و چنین ملهم شدم که سخنرانی خطبای عالی‌مقام را به‌صورت مجموعه‌ای درآورم تا هم حفظ آثار شود و هم مشکلی از مشکلاتی که متذکر شدم، حل گردد و از همان اوقات شروع به کار نمودیم...

همچنین در مقدمه جلد پنجم گفتار وعاظ می‌نویسد: علت تألیف چنین کتابی این است که وقتی خودم با اشتیاق تمام دوست داشتم، اهل منبر باشم، در کیفیت و چگونگی منبر رفتن متحیر بودم و گاهی در مجالس عزاداری شرکت می‌کردم، گویندگان و خطبای بزرگوار را می‌دیدم که با سخنان نغز و دل‌نشین‌شان حق مجلس را ادا نموده و مردم را از نظر هدایت و ارشاد شاداب نموده و در ذکر مصیبت هم، اشک فراوانی بر گونه‌های مستمعان جاری می‌کردند. برای رسیدن به چنین مقامی مصلحت دانستیم، با بعضی از طلبه‌های هم‌دوره خودم، تمرین منبر تشکیل دهیم تا بلکه راه و رسم منبر رفتن را یاد بگیریم؛ ولی نتیجه مثبت نداشت؛ زیرا همه در یک ردیف بودیم و نمی‌دانستیم، در کجای منبر از آیه و روایت، حکایت و پند و نصیحت استفاده نماییم و در اربطه با ذکر مصیبت، به چه کتابی مراجعه کنیم. و وقتی اشتیاق شدت پیدا کرد، از روی ناچاری بعضی از احادیث را می‌پرسیدم و می‌نوشتم؛ ولی مدرکی برای حدیث نداشتم. وقتی سایر مطالب، مخصوصاً روضه و ذکر مصیبت را هر چه از مداح یا روضه‌خوان و وعاظ می‌شنیدم، می‌خواندم. فراموش نمی‌کنم، در تهران مجلس مهمی بود که برای منبر دعوت شده بودم و جمعیت زیادی برای شرکت در عزاداری آمده بودند؛ چون از چند واعظ استفاده می‌شد؛ لذا رقابت ایجاد می‌کرد و باید بهترین منبر تحویل داده و روضه سوزناکی خوانده شود. نوبت به حقیر رسید. بعد از سخنرانی یک روضه گریه‌آوری خواندم که در اوائل جوانی از واعظ مشهوری شنیده بودم. پس از ختم جلسه یکی از مستمعان اعتراض داشت که چرا روضه دروغ خوانده‌ای! این توبیخ و اعتراض برای حقیر خیلی گران تمام شد؛ اما به جرم نداشتن مدرک، چاره‌ای جزء سکوت نبود تا وقتی که قدرت خرید کتاب پیدا کردم. روزی در یکی از کتب که مصائبی درباره حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام نوشته شده بود، به همان مطلب برخورد کردم و دانستم که صحیح و راست خوانده بوده‌ام؛ ولی اگر مطالعه کرده بودم، این چنین احساس حقارت نمی‌کردم.

۲.وعظ و خطابه

مجموعه وعظ و خطابه، در پنج جلد شامل سخنرانی‌های آن مرحوم جهت سهولت کار وعاظ جوان تدوین شده است که سه جلد آن به ماه محرم و یک جلد به ماه صفر و یک جلد نیز به ایام فاطمیه و برخی از مناسبت‌های مذهبی اختصاص دارد. آقای تاج لنگرودی در مقدمه جلد اول به انگیزه نگارش کتاب وعظ و خطابه آورده است: این مجموعه محصول ده سال استفاده از مجالس وعظ و خطابه و بهره‌برداری از محضر اساتید سخن و مطالعه صدها کتاب در رابطه با تفسیر و حدیث و تاریخ و مقتل است که ضمن سال‌ها تحصیل در حوزه علمیه قم و حدود چهل سال اشتغال به منبر جمع‌آوری گردیده است. علت جمع‌آوری این سخنرانی‌ها، درخواست متوالی وعاظ جوان است که ذره‌پروری نموده و پیوسته می‌خواستند، در رابطه با مراسمی که در طول سال تشکیل می‌شود، مطالبی جمع‌آوری گردد تا قدری از مشکلات منبر کاسته شود. شایان ذکر است که یکی از مشکلات منبر انتخاب موضوع است. حقیر در این مجموعه موفق بودم که بعد از انتخاب موضوع، مطالب لازم از قبیل کیفیت ورود در مطلب، نقل حدیث، شواهد، امثال و... را در نهایت سادگی و دور از هرگونه مشکلی بیاورم؛ مخصوصاً از بیان بعضی مطالبی که گوینده را زیر سؤال می‌برد، خودداری نموده‌ام.

۳.نگارش ۵۰جلد کتاب برای وعاظ

وی درباره انگیزه نگارش کتاب‌های متعدد می‌گوید: من همواره قبل و بعد از منبر مطالعات زیادی دارم و در این بین به این فکر افتاده‌ام تا برای راهنمایی منبری‌ها کتاب بنویسم و لذا شروع به نگارش کتاب در موضوعات مورد نیاز وعاظ و همچنین سایر موضوعات دینی نمودم و با عنایت خداوند تا به امروز موفق به تألیف بیش از ۵۰جلد کتاب شده‌ام و کتاب‌های دیگری نیز در دست تألیف دارم. واعظ خانواده، واعظ اجتماع، اخلاق انبیاء، اخلاق امیرالمؤمنین علیه‌السلام، اخلاق حضرت زهرا علیهاالسلام، اخلاق آموزشی زن و شوهر، اخلاق نوجوانان، اخلاق کودکان، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، پندهای خدا، پاسداران حجاب، چشم‌روشنی، پاداش‌ها و کیفرها، تلخ و شیرین، از مدینه تا مدینه (مقتل عاشورا)، درس‌های از معلمین اخلاق و با امام حسین علیه‌السلام به سوی بهشت، از مهم‌ترین عناوین تألیفاتم هستند.

• ماجرای ضبط محرمانه درس حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی

تاج لنگرودی در این‌باره می‌گوید: من سه سال بین سال‌های ۴۵ تا ۴۸ در کلاس‌های درس حجت‌الاسلام والمسلمین مرحوم فلسفی خطیب، واعظ و مفسر شهیر تهران حضور داشتم و در این مدت در کلاس‌های تفسیر ایشان و درس خطبه حضرت زهراء علیهاالسلام شرکت کرده و محرمانه زیر عبا با ضبط صوت، بیانات ایشان را ضبط می‌کردم.

متن سخنان ایشان را روی کاغذ آورده و گردآوری کردم که به‌صورت دفتری شده است. اخیراً حجت‌الاسلام لواسانی که نوه دختری مرحوم فلسفی است، این دفتر را از من گرفت تا به سرانجام برساند.

• جایگاه تهران در تبلیغ

حاج شیخ محسن تاج می‌گوید: پدرم در قم همزمان با تحصیل به تبلیغ هم خیلی علاقه داشت. او برای ما تعریف می‌کرد: وقتی در درس خارج می‌رفتم، فکر کردم که اگر به درسم ادامه بدهم، مجتهدی همانند سایر مجتهدان خواهم بود؛ ولی دلم می‌خواست که برای جامعه نافع باشم؛ لذا فکر کردم که از راه تبلیغ می‌توانم، برای جامعه نافع باشم؛ پس تهران را برای خودم محل تبلیغ انتخاب کردم و علت انتخاب تهران این بود که اعتقادم این بود که تهران مثل دریاست و طلبه می‌تواند درآن رشد کند.

• هرچه دارم از حضرت معصومه علیهاالسلام دارم

شیخ محسن تاج می‌گوید: تهران در آن زمان جو بسیار خطرناکی داشت. پدرم از اوضاع آن روز تهران مطلع بود و لذا جهت استمداد به حرم حضرت معصومه علیهاالسلام رفت. پدرم اعتقاد عجیبی به حضرت معصومه علیهاالسلام داشت. می‌گوید: به حرم رفتم و گفتم من چاره‌ای ندارم و دارم به تهران می‌روم؛ ولی اوضاع تهران خوب نیست. آن زمان فقط یک فرزند داشتم؛ لذا به حضرت معصومه علیهاالسلام عرض کردم، زندگی خودم و بچه‌های آینده را به تو می‌سپارم. حالا بعد از پنجاه سال احساس می‌کنم که دعای آن روز من در حرم به اجابت رسیده است و من هرچه دارم، از حضرت معصومه علیهاالسلام دارم.

• عنایت کریمانه آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمه‌الله

شیخ محسن تاج درباره تلبس پدرش به لباس روحانیت می‌گوید: پدرم می‌خواست، لباس بپوشد؛ ولی پول آن را نداشت. او می‌خواست بعد از پوشیدن لباس یک جشنی بگیرد و از طرفی می‌خواست، به لنگرود بروند و تابستان را آنجا بمانند؛ لذا به فکر افتاد که نامه‌ای به آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمه‌الله بنویسد. پدرم فرمود: یک نامه به‌عربی برای آیت‌الله بروجردی نوشتم و رفتم به بیت ایشان و وقتی از اندرون به بیرون آمدند، من مقابل ایشان رفتم و نامه را دادم و مقابل ایشان نشستم. وقتی ایشان نامه را مطالعه کرد، شروع کرد به خندیدن و فرمود: به‌عربی هم نوشته! آن وقت فرمودند: جیلان عَلَم است! چرا آن را با الف و لام آوردی؟ چون شروع نامه‌ام با عبارت اِنی ذاهب الی‌الجیلان بود. عرض کردم: حضرت آقا درباره این جمله چه می‌فرمایند: سرت من‌الکوفه الی‌البصره؛ درحالی‌که کوفه و بصره هر دو عَلَم است! حضرت آیت‌الله قفقازی (پدر آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی) عرض کرد: آقا! همین که جواب شما را داده، معلوم است که خوب درس خوانده! آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمه‌الله یکصد تومان به من پول داد که خیلی خوشحال شدم. با آن مبلغ رفتم لباس خریدم و بعد طلاب و علمای شمالی را دعوت کردم و شام به آنها چلوکباب دادم و هم با آن پول به لنگرود رفتم. این پول خیلی با برکت بود.

ادامه دارد...

عطر یار

ای انتقام پهلوی پشت درِ خانه

علی‌اکبر لطیفیان

جز رحمت چشمان تو، دنیا چه می‌خواهد!
تشنه به‌غیر آب، از دریا چه می‌خواهد!
حالا که موسایم شدی راهی نشانم ده
غیر از نجات، این قوم از موسی چه می‌خواهد!
شاید بپرسی از چه دنبال دَمَت هستم
دل‌مرده نوعاً از دَم عیسی چه می‌خواهد!
پیغام و پس‌پیغام یعنی یاد ما هستی
مجنون جز این پیغام، از لیلا چه می‌خواهد!
پیراهنی بفرست شاید زنده ماندم من
جز دل‌خوشی، یعقوب نابینا چه می‌خواهد!
تا کیسه ما پر شود، احسان تو کافی است
مسکین به‌جز خیرات از آقا چه می‌خواهد!
چیز مهمی نیست اینکه ما چه می‌خواهیم
باید ببینیم آن جناب از ما چه می‌خواهد!
ای انتقام پهلوی پشت در خانه
غیر از ظهور تو مگر مادر چه می‌خواهد!

سخنگوی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خبر داد

تلبس قریب به ۳هزار طلبه در سال گذشته

حجت‌الاسلام والمسلمین برته گفت: قریب به ۳ هزار طلبه در سال گذشته، توفیق تلبس به لباس روحانیت، لباس سربازی حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه را پیدا کردند که انشاءالله در خدمت به خلق و خالق خواهند کوشید و در مسیر علمای سلف مجاهده خواهند کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین برته سخنگوی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه طی گفت‌وگویی به تشریح محورهای مورد بحث در یکصدوشصتمین نشست شورای معاونان حوزه علمیه پرداخت و گفت: در این نشست، موضوعات مختلفی اعم از دغدغه‌های مردم و مدارس علمیه و مطالبات مراجع معظم تقلید و نظام اسلامی از مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه مورد بحث قرار گرفت.

وی با تأکید مجدد بر همراهی و پشتیبانی حوزه‌های علمیه از تصمیمات دانشی و مبتنی بر خرد و تجربه در حوزه سلامت، بهداشت و درمان را از مهمترین محورهای این نشست برشمرد و گفت: همان‌طور که در فرمایشات مقام معظم رهبری هم بود، طلاب عزیز در کنار پرستاران و مجاهدان عرصه سلامت در کمک به مردم برای پشت سر گذاشتن این بحران همراهی کردند و این راه به‌فضل خدا همچنان ادامه خواهد داشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین برته خاطرنشان کرد: حوزه علمیه مثل همیشه، ضمن تأکید مجدد بر تجربیات و خردمحوری، بر نقش طب‌های مکمل و پیگیری و احیای آن‌ها توسط وزارت بهداشت و نهادهای متولی در این مسیر هم توجه داشته است.

وی تحلیل و پاسخ‌دهی به سؤالاتی را که در فضای علمی کشور مطرح می‌شود، لازم دانست و تصریح کرد: مخاطبان ما مطلع هستند که مراجع عظام تقلید و علمای معزز حوزه هم، حامی تجربیات متقن و دانشیِ بشر در این مسیر بوده و حتی در مورد واکسیناسیون، دوز سوم را نیز تزریق نمودند.

سخنگوی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه اظهار کرد: حوزه‌های علمیه در عین حال، این مطالبه را از نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر دارند که نسبت به طب مکمل هم، اعلام موضع خوب، روشن و شفافی را اتخاذ کرده و حمایت‌های لازم از آن را هم داشته باشند. وی با اشاره به دومین محور یکصدوشصتمین نشست شورای معاونان حوزه، افزود: قریب به ۳ هزار طلبه در سال گذشته، توفیق تلبس به لباس روحانیت، لباس سربازی حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه را پیدا کردند که انشاءالله در خدمت به خلق و خالق خواهند کوشید و در مسیر علمای سلف مجاهده خواهند کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین برته بیان کرد: مسئله موقوفات حوزه‌های علمیه، یکی دیگر از مسائل مورد بحث در این نشست بود؛ حوزه‌های علمیه در عین استقلال هرگز منزوی نبوده‌اند.

وی گفت: گاهی اوقات استقلال با انزوا یکی دانسته می‌شود؛ اما حوزه‌های علمیه همیشه در تلاش بوده‌اند که در حمایت از مردم، در یک تعامل و تدبیر حکیمانه، با نظام اسلامی معاضدت کنند و برای تعالی مردم و ایران عزیز تلاش نمایند.

رئیس مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه اظهار کرد: برای این کار می‌بایست، استقلال حوزه در سطوح مختلف مورد تأکید بوده باشد؛ بر همین اساس در عین حالی که حوزه خودش را ناصح امین نظام اسلامی، علت موجبه و پدیدآورنده آن می‌داند و به‌عنوان علت مُبقیه برای بقا و جریان آن نقش‌آفرینی می‌کند، رسالت‌های اساسی خویش را پیگیری خواهد کرد. وی با تأکید بر تلاش حوزه برای احیای موقوفات حوزه، عنوان کرد: این کار به‌معنی پررنگ کردن نقش‌آفرینی مردم در اداره این نهاد دینی است.